

با همسری بسر برند و نسوان نیز ناکزیرند که ایام عمر خویش را با دیگری سپری کنند، بهتر آنست که دقت کنند و کسی را انتخاب نمایند که در حیات خویش دچار نیش نشده همواره ذائقه روح را نوش بنوشانند.

متأسفانه امروزه در مملکت ما رعایت این اصل مهم را تموده نه مطابق قوانین شارع مقدس و نه بر طبق قواعد و قوانین جاریه دنیا رفتار مینمایند. اینست که دختران بدبخت از بدو زندگانی در زحمت و پریشانی و پسران نیز از هنگام تأهل گرفتار مشقت و ندامت میگردند.

ولی دول متمدنه این قضیه را اهمیت داده و رعایت قواعد و قوانین آنها مینمایند لذا دوره حیات خویش را در نهایت سرور و شرف بسر برده همواره شادمان و از قسمت خود کامران میباشند.

قیمت ادبی

چهار زنده جاوید

بقلم پروفسور هلندی استاد فارسی شناس و فاضل محترم
کلکرف دی جی ۱۴۱۱ در بمبئی

ردوسی، سعدی، حافظ و عمر خیام. هر يك از این نامها برای دل من چه مضیبا دارد! چه قسم بقلبم الفت گرفته‌اند! چگونه در نظرم عزیز شده‌اند! و چطور قلب مرا نشیمنگاه ابدی خود ساخته‌اند! اگر همه مال و مکت دنیا بمن تقدیم کنند که در عوض دقیقه این نامهای گرامی را از دل خود خارج کنم هرگز قبول نخواهم کرد. این



نامها مونس جان من شده و فقط بوقت نزع با جان از جسد و قلب من بیرون خواهند رفت. اگر سبب این بستگی و احترام مرا نسبت باین نامها میخواهید بدانید نیک استماع نمائید تا بنوعی که میتوانم بیان کنم: این شاعران نامور برای ما کتابهایی به میراث گذاشته‌اند که هر يك از آنها خزینه است پر از جواهرات ذی قیمت، باغی است پر از گل‌های معطر و دیدنی است پر از درهای گرانبها. چند سال بلکه چندین قرن گذشته است هرکس که خواست از این خزاین غارت و چپاول نمود ولی هنوز مثل اول پر از همان جواهرات ذیقیمت است! از این دریاها درهای درخشان بسی بر بودند ولی هنوز مثل اول پر از همان درهای مکنونه است! و از این چمنها چه بسیار گل‌های خوشبو که چیده‌اند ولی هنوز از بوی معطر خود و گل‌های رنگارنگ نکاسته است! کسی که نام های نامورانی که بدو اینگونه میراث‌های پایدار گذاشته‌اند از لوح دل محو کند یا باید از زمان ولادت از عقل بی بهره بوده باشد و یا عقلش از شدت دل‌بستگی به مال دنیا از سرش وداع کرده باشد هرگونه مال دنیوی از دادش بدیگران یا سپری شود یا کسر نماید و از نگاه داشتش هم هیچ فایده نبخشد. این قسم مال بچه ارزد که از دادش بدیگران رنجیده شوی و از نگاه داشتش با خود هیچ بهره نبری؟ برعکس میراثی که این ناموران برای ما گذاشته‌اند هرچه زیادتز از آن گرفته شود غیر از آنکه کسر نمی نماید بیشتر بر قیمت آن میافزاید و دیگران را زیادتز مایل و مستفیض میگرداند.

فردوسی! ای زنده کننده ایران و ایرانیان باستان! با زنده کردن ناموران قدیم ایران هم نام خود را جاویدان کرده و هم تنگ محمود را نمایان. سی سال در نوشتن شاهنامه زحمت‌های

کوناگون کشیدی و آخر الامر محمود ایفای وفای خود نمود و تو را از انعام موعود بیشترمانه محروم ساخت. اگرچه آن مایوسی که آن وقت بتو روی داد (در نظر دیگران) زحمات و زنده‌گانیت برباد کرد. اما چه مردانه رفتار کردی! بر عزت خود پیفزودی، نام خود را تا ابد زنده کردی و مذلت محمود را بر جهانیان فاش کردی. چه خوش سروده:

میازار موری که داله کش است که جان دارد و جان شیرین خوش است

چندین دفعه شده است که یاد آوری این بیت مرا از راه آزار باز داشته و تصور می‌رود هزاران کس از اثر این فرد بیت براه صواب باز آمده و راهنمایی شده‌اند.

شیخ سعدیا! چه بسا گل‌های رنگارنگ و خوشبو که از گلستان و بوستان بر چیده و بوئیده‌ام، بسی یشهای طبیعات چراغ راه من در این سفر دنیای تاریک شده است — اهمیت يك «برگ درختان سبز در نظر هوشیار» را هویدا کرده و دیدگان دل مثل من نا هوشیاری را هم باز و از سر «معرفت کردگار» مرا بدرجه واقف گردانیده که زبان نارسایم نمیتواند از عهده وصف تو بر آید. حافظا! لقب لسان الغیب فقط لایق تو است و تو فقط سزاوار آن لقب. تو خود مثل هر عارفی ازین واقعه بی‌خبر بودی و گفتی:

در اندرون من خسته دل ندانم کیست که من خوشم و او در فغان و در غوطه است

او که در اندرون تو در فغان و غوغا بود همان لسان الغیب بود و آن لسان الغیب بود که از دهن تو فاش میگفت که «طایر گلشن قدسم» و «ملك بودم و فردوس برین جایم بود». در يك بیت خود:

مباش در بی آزار و هر چه خواهی کن که در طریقت ما غیر ازین گنهی نیست

طریقی بغایت ساده نشان داده که مقبول همه جهانیان شده! «آسایش دو گیتی» که چندین فیلسوفان بزرگ دنیا ب جستجویش عمرها

صرفاً کردند و بمقصود نرسیدند، تو در «دو حرف» تفسیر کردی و همگان را بطور یقین فهمانیدی که آن سر مطلوب در «مروت با دوستان» و در «مدارا با دشمنان» گنجیده است. بقول خودت اگر چه «غرق گناه بودی» ولی مثل «زاهد نصیحت گو» «خود پرست» نبودی و آن حال را از مردم پنهان نساختی و گفتی: «فاش میگویم و از گفته خود دلشادم».

حافظا! نو مرده؟! هرگز قبول نخواهم کرد. در ایام عمر خود زنده فقط در ایران بودی، ولی بعد از وفات مشهور عالم گردیدی. در این خصوص يك بيت از تو نقل کرده بتو خدا حافظ میگویم:

هرگز نپیرد آنکه دلش زنده شد بعشق ثبت است بر جریده عالم دوام ما
عمر خیام! ای منجم نیشاپوری! شاعر ایرانی! تو فیلسوف جهانی! هموطنان تو از تو قدردانی نبودند و صرف نظر از رباعیات روح ربای تو کردند. ولی از آنجائیکه حقیقت در جهان پوشیده نخواهد ماند يك شخص انگلیسی درجه رباعیات تو را شناخت و از نقطه نظر قدردانی اروپائیان آنها را بلباس انگلیسی در آورد. جلوه/فلسفه تو اروپائیان را چنان شیفته ساخت که متفق الکلمه تو را یکی از فیلسوفان بزرگ عالم شناختند. نتیجه دیگر منتشر ساختن فلسفه تو این بود که «فیتز گرالد» مترجم انگلیسی رباعیات فارسی تو شهرت شاعری حاصل کرد. بقیده من تجدد رباعیات تو که کاملاً غیر از فلسفه آسیای قدیم و همرنگ خیالات اروپای امروزی است سبب شد که قرائت خانه و ابنیه خیره را بنام نامی تو بر زینت شهرهای مزین خود بیفزایند و قتی که رباعی

جز خوردن خصه نیست تا کنند جان
و آسوده کسی که خود نیامد بجهان

چون حاصل آدمی درین شورستان
خرم دل آنکه زین جهان زود برفت

و دیگر اینگونه رباعیات تو را خواندم متحیرانه با خود گفتم آیا این شاعر قدیم ایرانی است یا فیلسوف امروزی اروپائی؟ بعقیده من اشتباهاً در آن زمانه متولد شدی و زمانه مناسب برای تو قرن بیستم و زمانه امروزی است و شاید از برای تصحیح اشتباه خود خدا «فیترگرالد» را در این زمانه به وجود آورد تا عقاید فیلسوفانه تو را که از غفلت هموطنانت گویا با خودت بگور برده بر عالمیان واضح گرداند. افسوس! زمانه را چنان ناگوار یافتی که با حسرت تمام گفتی:

گر بر فلکم دست بدی چون یزدان برداشتمی من این فلک را ز میان
چرخ فلکی دگر چنان ساختمی گمازاده بکام دل رسیدی آسان

ای روان پاک خیام! اگر چه در حیات خود رباعیات گران بهایت مقبول هموطنانت نشد و «بکام دل» نرسیدی و زمانه ناموافق بود ولی از آن چه باک که حالا زمانه دگر کون گشته قدر و قیمت تو بر همه مشهود شده و تو را در زمره فیلسوفان درجه اول بشمار می‌آورند. شاد باش ای روان پاک خیام!

ای ناموران ایران! شما در ایام شادی فرح افزای من و در حالت غم غمخوار من بوده‌اید پس انصاف میطلبم که چگونه می‌توانم شما را از یاد خود فراموش و از دل خود بیرون کنم!

معارف ایران

۱- دبستان ایرانیان در اسلامبول

مدارسی که ایرانیان در ممالک خارجه مانند ترکیه و مصر و بین‌النهرین و هندوستان و روسیه دارند اگر موافق حنیجات